نقشه راه سیاسی

مصوب کنگره" ٦، "کنگره زن زندگی آزادی" ، ٢٩ و ٣٠ مارس ٢٠٢٤ – استکهلم سوئد

در تاریخ جامعه‌های بشری کمتر فصلی را میتوان پیدا کرد که به اندازه‌ی فصل مربوط به اقلیتهای دینی زشت و وحشتناک باشد. اقیلتهای دینی و مذهبی در کنار زنان و بردگان بزرگترین قربانیان بد رفتاری، خشونت و تعدیات بوده‌اند. سرزمین ایران در دو نقش رواداری و رواداری دینی در تاریخ بازی خود را به نمایش گذاشته است. ایران از دوران ماد تا زمان ساسانیان رواداری دینی و مذهبی و همزیستی مسالمت آمیز را در جامعه فراهم آورد. در دو هزار سال بعدی و مخصوصا از دوران ساسانی به بعد ستم و جنایتهای وحشیگرانه علیه دیگران از طرف دین حاکم به اوج باورنکردنی رسید. فاشیسم مذهبی با ساسانیان و بعد اعراب وارد جامعه ایران شد و در دوران صفوی به اوج خود رسید و حکومت دوازده امامی خمینی (با خودش سیزده امامی) آنرا احیا و تکمیل کرد. تاریکترین و بدترین نمونه‌ی آن را صفویان انجام دادند. آنها جامعه‌ی سنی ایران را با ضرب شمشیر به شیعه در آوردند. از آنزمان تا کنون موضوع حقوق اقلیتهای دینی و مذهبی در ایران تبدیل به یکی از بزرگترین چالشها و موارد برای جامعه ایران شده است و مردم ایران از توان دوری و درمان آن بر نیامده‌اند . از دوران شاه اسماعیل صفوی تاکنون تعقیب، ترور و کشتار افراد متعلق به جوامع بهائی ، یهودی ، سنی ، مسیحی ،صوفی و یارسان ادامه دارد.

اقلیت دو دلالت یا وجه ریاضی و حقوقی دارد. اولی بیشتر در دو دستگی بین افراد جامعه خود را نمایان می کند و نتایج رأی گیری می تواند مصداق آن باشد. دومی بر اصل حقوق استوار است، و میتوان آن را در تبیعیض ، ستم و ظلم علیه آنهائیکه تعلقات جنسی، دینی، مذهبی، نژادی و اتنیکی دیگر دارند، نشان داد.

تجاوز وتعدی به حقوق ابتدایی افراد یارسانی و به جامعه یارسان بعنوان یک واحد اجتماعی دارای مختصات منحصر بفرد همواره و در مدت ٤٠ سال عمر ننگین رژیم کنونی بخشی از سیاست و ایدئولوژی جمهوری اسلامی بوده است. نظام ارزشی رژیم اسلامی بر اساس قوانین و ضوابط شریعتی و قدسی فقه شیعه استوار است و مبنی بر آن رفتار سیاسی، شعور اجتماعی، نگرش فرهنگی و اخلاق خود را ترسیم، تشکیل و اعمال می کند که نظام ارزشی-اومانیستی و آموزه‌های اخلاقی و منش بردبارگرا جامعه یارسان را تهدیدی علیه ذات و هستی کیان خود می داند.

جمهوری اسلامی از زمانی که قدرت سیاسی را در ایران بدست گرفته است از کاشتن بذر بی اعتمادی، ایجاد تفرقه، تهییج و تحریک احساسات ضد دگرباشی و دگر اندیشی در بین توده پایینی جامعه، زدن برچسب و تهمت به دیگر باوران و شایعه پراکنی علیه مخالفین خود دریغ نکرده است و برای اعمال چنین سیاستهای ضد انسانی و تبعیض آمیز قرائت جزمی خود را از قوانین اساسی و شرع اصل و اساس قرار داده است. دستگاه اداری و سیاسی ونهادها و تشکیلات اداری به بهانه مسائل امنیتی نه اینکه موانع حقوقی برای جلوگیری از این اقدامات و اعمال ضد انسانی آپارتاید مذهبی ایجاد کند، بلکه در عوض ضمانتها، تسهیلات و استثنائات قانونی برای افراد رسمی وابسته به نهادها و افراد وابسته به دیگر تشکیلات و سازمانهای انقلابی چون سپاه، بسیج، ولایت فقیه و سازمنهای امنیتی و اطلاعاتی فراهم و ایجاد می کند.

اسلام سیاسی ، در قالب نظام ولائی، در سالهای اول عمر خود، با سازماندهی پیچیده و انضباط منظم تشکیلاتی و دیگر خصائص جذاب برای جهادیستهای جهانی به خطری جدی برای آزاد اندیشی و انسان گرای و دگر اندیشی سیاسی و دینی تبدیل شد. اولین قربانیان، که به سلطه قانون طبیعت در مسیر راه آزمایشهای خشونت آن قرار گرفتند، جاامعه یارسان و دیگر گروههای دینی و اتنیکی بودند. فرهنگها و ادیانی که در تعالی و غنا فراوردهها و دستآورهای بشری در این نقطه از کرهی خاکی نقش تاریخی خود را بدرستی بازی کردهاند، و حتی بدلایل جغرافیای تبدیل به نقطه حائل بین دو بال مخالف سنی و شیعهگشتهاند. این شرایط طبیعی، غیر مستقیم، این فرصت را به آنها داده است که تا اندازهای از بروز برخوردهای خونین بین ای دو بال اسلامی جلوگیر باشد.

سیاستهای رژیم منجر به تشدید تنشها و ناهنجاریهای اجتماعی بین گروههای اتنیکی و دینی و طبقات مختلف جامعه شده است و همزیستی مسالمت آمیز دینی و اتنیکی سه هزار سالهی ایران را دچار آسیبها و نقصانیهای چشمگیری کرده است و آن را هر روز بیشتر بی ثبات و نا امن می سازد. نظام جمهوری اسلامی برای شکستن ارادهی آزدیخواهی، و در نطفه خفه کردن صدای وجدانهای بیدار مقاومت و ایستادگی همواره، مسبوق به سابقه، دست به نیرنگهای و ترفندهای بیشرمانه می زند. نظام اسلامی- دارای کارنامه و شناسنامه با عین الصاق جنایت و تجاوز- برای ادامه حیات شوم خود بطور سیستماتیک آزدیخواهان را به خاک و خون می کشد.

نیروهها و گروههای اجتماعی، اتنیکی و دینی، باید برای جامعهی سالم، بردبار، آزاد و عادل شعارهای لائیک محور اساس مبارزه و تلاشهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود قرار دهند. بدون تغییر یا اصلاحات ساختاری و ریشهی در دستگاه قدرت نظام و نهادهای وابسته به آن و قانون اساسی امکان تغییر بنیادین در جامعه امکان ناپذیر است.

جامعه یارسان از طریق ابزارهای مبارزاتی و دمکراتیک خود تا کنون و در مدت ٤٠ سال به شیوههای مترقی، مسالمت آمیز و بدور از هرگونه خشونت رفتارهای ناعادلانه نظام را محکوم، برملا و افشاء کردهاست و علیه آن قاطعانه و صریح موضع گرفته است و مطالبات خود را تهییه و طرح کرده است. جامعه مدنی مردم یارسان بیشتر و بهتر از دیگر جوامع موضع خود را در قبال سیاستهای خرد و کلان نظام روشن و نمایان ساخته است. اما جامعه یارسان بتنهائی نمی تواند قدرت نظام و نهادهای وابسته به آن را به چالش جدی بکشد و نیاز به همکاری، پشتیبانی و همگامی دیگر کنشگران و فعالین فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران دارد. پشتیبانی و حمایت از حقوق جامعه یارسان می تواند زمینه ساز رشد و گسترش وسعت اندیشه انسان گرایانه در جامعه باشد.

استان کرمانشاه یکی از معدود استانهای کشور است که شاید بیش از هر جای دیگر ایران از تنوع فرهنگی،بلاخص تنوعات زبانی وآیینی برخورداراست. مردم این دیار به رغم نگرشها و باورهای متفاوت در طول قرون و اعصار گذشته در کنار همدیگر و در یک همزیستی مسالمت آمیز زیسته اند و همین امر موجب شکل گیری فرهنگی غنی و ارزشمند همراه با پذیرش تنوع، تکثر و مدارا گردیده است؛ تا جایی که کرمانشاه را هندوستان ایران نامیده اند.

جامعهی یارسان در یکی از عقب افتادهترین مناطق اقتصادی، شغلی، بهداشتی و تحصیلی قرار گرفته است. دسترسی مردم به خدمات در این نهادها بخاطر تعلق و باور غیر اسلامی امکان ناپذیر و یا بشدت کم و محدود است. سیاستهای گزینشی و تبعیض آمیز بخشی از اعمال سیاست رسمی دولتی و اداری علیه یارسانیان است.

سیاستهای تبعیضی که علیه مردم یارسان انجام می شود ساختاری و قانومند هستند و در تمام دستگاه اداری و سیاسی رژیم نهادینه و تبدیل به قانون شده‌اند. آنچه مردم یارسان از این توافق بدست آوردند چیزی بیشتر از مردم ایران و منطقه نیست، که همانا عدم بروز جنگ و خانمانسوزی است.

کوردها در طول تاریخ برای آزدی، صلح و دوستی مبارزه نموده‌اند. سرزمین کوردستان گهواره‌ی تمدنهای بزرگ، ادیان و فرهنگهای عظیم بوده است. سرزمین کوردستان که خاستگاه اندیشه انسان محوری فرهنگ مدارا یاری بوده است، در اوایل انقلاب مورد یورش نیروهای شر، تاریکی و جهل جمهوری اسلامی قرار گرفت و فرهنگ ، هویت و شخصیت تاریخی آنها با تهدید نابودی جدی روبرو کرد. آرامش و همزیستی نسبی و تعامل فرهنگی در این منطقه دچار تزلزل و انفصال شده است.

امروز مبارزه و مقاومت سیاسی و مدنی و فرهنگی یارسانیان در برابر نیروهای شرطلب و خونریز تلاش و کوششی مغرورانه برای آشتی، همزیستی و کثرت گرایی فرهنگی ، اتنیکی و آیننی در منطقه است.

مبارزان و کنشگران اندیشه پلورالیسم فرهنگی و هویتی همچنان تنها نیروی مترقی جامعه بشری است که در برابر ایدئولوژی تمامیت خواه شیعه دوازده امامی و سلفی، دوبال مقتدر خشونت طلب اسلام سیاسی، و ناسیونالیستهای مرکزگرا با محور زبان فارسی و ناسیونالیستهای منطقه گرا با محور زبانی و مذهبی غیر شیعه در میدان واقعی عمل و اندیشه حضور دارد و در همانحال قدرتهای سرمایه‌داری و وابستگان آنان را در منطقه با واقعیتهای تازه در امور روابط و مناسبات بین المللی روبرو کرده است. بخش عظیمی از این نیروی مبارزاتی نوین زنان تشکیل میدهند که بعد نوین و پیشرفته‌ی به شخصیت انسان در این بخش از جهان بخشیده است، و ان مشخصه نیز تحسین جوامع دمکرات، پیشرفته و نیروهای مترقی را بر انگیخته است.

نظام اسلامی دریافته است که اراده و شخصیت آزاد و دمکراتیک در این بخش از ایران (مناطق کوردنشین) برای پاسداری و تحقق ارزشهای انسان محور و ایجاد جامعه‌ی پلورال و دمکراتیک لحظه‌ی از پیکار غافل نیست، و با حضور خود در میدان مبارزه الهام بخش مبارزات سراسری در ایران است.

کوردستان ایران همچون سراسر ایران، مثل قالی بیجار، گلزار و گلرنگی متنوع زبانی، دینی و عادتهای گوناگون است. اینها در کنار یکدیگر کورستان را زیبا و نادر نگه داشته‌اند. مردم کورستان باید با احترام به گویشهای مختلف زبان کوردی و باورهای دینی و رسومات محلی یکدیگر برای جامعه‌ی آزاد، عادل و برابر طلب مبارزه کند. باید بنیدگرائی و تعصب دینی و مذهبی را در تمام انواع آن بدور انداخت و آنرا با حقوق برابر و احترام به تمایزات جایگزین کرد. جامعه کورد باید هوش و نگرش خود را بر جامعه پلورال و متنوع خود متمرکز نماید و خور را از این جنگ فرقه‌ی نجات دهد.

سازمان دمکراتیک یارسان یک تشکل سیاسی، دمکراتیک و معتقد به پلورالیسم سیاسی است. جریانی است که خود را متعهد به دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر، الحاقات و میثاقهای مربوطه میداند و خواهان بر قراری یک نظام سکولار و دمکراتیک در ایران بمنظور نیل به آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون و کسب حقوق مطرح در اعلامیه مذکور است. مبارزه‌ی سازمان اتحاد دمکراتیک یارسان مسالمت آمیز و بر اساس واقعیت و اعتقاد به پلورالیسم فرهنگی و سیاسی استوار است. غایت مبارزه سدی زندگی خوب وتأمین سعادت و امنیت برای آحاد، اجتماعات و افراد است.

بعد دیگر مبارزه معطوف به احیای وجدان و بینش ارزشهای فرهنگی و حضور تاریخی در پاسداری از سرمایه‌های بومی در ایران و کردستان می باشد. با باور به تعریف فوق و بدلیل اینکه سازمان دمکراتیک یارسان و جامعه‌ای یارسان بخشی جداناپذیر از مبارزات سراسری در ایران و کوردستان ایران است،بنا به مسئولیت تاریخی و وظیفه‌ی مبارزاتی راه کار سیاسی خود را برای آینده ایران بطور ذیل طرح و اعلام می کند.

سازمان دمکراتیک یارسان با هر گونه تقسیمات اداری و سیاسی مبنی بر زبان، نژاد و دین مخالف است، و باور دارد که این گونه عدم تمرکز منجر به پاکشویی اتنیکی می شود. سدی باور به عدم تمرکز بر اساس منطقه و جغرافیا است که مردمان و ساکنین هر شهر امور خود را در تمام زمینه‌ها مدیریت کنند. سازمان دمکراتیک یارسان با الهام از "اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیتهای ملی یا قومی، دینی و زبانی مصوب مجمع عمومی در قطعنامه ٤٧/١٣٥ مورخ ١٨ دسامبر ١٩٩٢) نظر خود را در مورد "عدم تمرکز" در ٥ ماده زیر اعلام می کند:

١ ـ ما مردمسالاری را به معنی حق برابر همه ایرانیان در حکومت بر خود توسط نهادهای انتخابی آنان می‌دانیم. همه ساختار حکومتی و سازمان بندی اجتماعی باید به اراده و در خدمت مردم و برای دفاع از حقوق افراد جامعه باشد.

٢ ـ کشور ایران از ملتها، اقوام، ادیان و مذاهب گوناگون تشکیل شده است .

٣ ـ حقوق ملتها و اقوام و مذاهب در یک نظام مردمسالار مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و میثاقهای آن می‌توانند زیر یک حکومت مرکزی با یک قانون غیرمذهبی و لائیک بسر برند و فرهنگ و هویت ویژه خود را نیز در پناه همان قانون نگهداری کنند.

۴ ـ عدم تمرکز به معنی تقسیم اختیارات میان حکومت مرکزی و حکومتهای محلی برای کارایی و دمکراسی بیشتر ضرورت دارد. تصمیم گیری امور محلی در هر محل باید تا پایین‌ترین واحد تقسیمات کشوری توسط مردم محل انجام گیرد. سازمان ما حکومتهای محلی را در سطح استان و شهرستان و دهستان و روستا پیشنهاد می‌کند. ایران از یک مرکز اداره نخواهد شد و واحدهای تقسیمات کشوری، امور محلی را از اجرای قانون تا خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداری و امورشهری و اجرای طرح‌های توسعه و مانندهای آن که در صلاحیت حکومت مرکزی نیست با ارگانهای انتخابی خود اداره خواهند کرد.

۵ ـ در تقسیم بندی استانهای ایران که جنبه قومی و ملی داشته است، اما بدلایل سیاسی و یا فرهنگی امروز دارای ادغام است و بدین دلیل و براساس واقعیت بافتار دموگرافیک موجود سدی امروزه توجه به تقسیمات جغرافیایی دارد ، اما علاوه بر نظر مردم هر محل، ملاحظات مربوط به توسعه اقتصادی باید در نظر گرفته شود. در تخصیص منابع ملی یا نه‌ته‌وه‌ی میان استانها و شهرستانها به آنها که از امکانات کمتری برخوردارند باید بیشتر داده شود تا به میانگین سراسری یا نه‌ته‌وه‌ی برسند. در ادامه سیاست عدم تمرکز، یک مجلس سنا با نمایندگان برابر از همه استانها در کنار مجلس ملی یا نه‌ته‌وه‌ی در قانونگزاری شریک خواهد بود.

سازمان دمکراتیک یارسان ، اعمال مواد زیر، برای ایجاد و استقرار نظامی پلورال، دمکراتیک و سکولار در پیوند با اصل "عدم تمرکز" الزام آور میداند:

۱.پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نمایندگان مجلس مؤسسان تحت نظارت سازمان ملل انتخاب، و در یک سقف زمانی ۳ ماه قانون اساسی آینده ایران را تهیه و تحت نظارت سازمان ملل به همه پرسی گذاشته می شود.

۲.قانون اساسی باید بر اساس اصول عدم تمرکز، سکولاریسم و پلورالیسم و کثرت جامعه ایران تدوین شود، و حقوق فردی را نیز در کنار حقوق جمعی تضمین کند.

۳.سازمان دمکراتیک یارسان در باره شکل نظام و حکومت دارای تعصب نیست به همین منظور هیچ شکل حکومتی را به مردم عرضه نمی کند، بلکه آن را موکول به رأی دمکراتیک در همه پرسی تحت نظارت سازمان ملل می نماید.

٤.ایران ،کشور تمام ایرانیان بدون توجه به تعلقات و وابستگیهای زبانی، دینی، اتنیکی ، مذهبی، طبقاتی، جنسیتی است و افراد (شهروندان) آن دارای حقوق تثبیت شده در قانون اساسی بمنظور استفاده دمکراتیک و آزاد از فرصتهای مشارکتی در امور مدیریتی کشور هستند.

٥..جدایی دین از دولت و لغو دین رسمی در کشور. تلقی دین به عنوان امر خصوصی افراد بر پایه احترام و برخورد یکسان با پیروان ادیان و مذاهب.

٦. جبران عقب ماندگیهای اجتماعی، اقتصادی از طریق تخصیص بودجه‌های اضافی به مناطق محروم و کاهش تفاوت استانداردهای شهری و روستایی با توجه به رعایت استانداردهای حفاظت از محیط زیست .

۷. توزیع عادلانه ثروت، درآمد و خدمات کشور وتعیین حداقل استانداردهای معیشتی و بهداشتی.

۸. سازمان دمکراتیک یارسان باور دارد که تمام قوانین زن ستیز باید ملغی شود و با پیوستن کشور ایران به "کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان" ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، قانون اساسی آینده حقوق زنان با الهام از روح کنوانسیون فوق تعریف و آنها را تضمین کند.

۹.باید کارگر ایرانی بر اساس "میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۷٤" دارای حقوق تعریف و تضمین شده در قانون اساسی آینده باشد